

چرا نباید به شنبه امید بست؟



آرمین منتظری
دبیر گروه بین‌الملل و دیپلماسی

ایران در نهایت پذیرفت تا امروز در عمان با هیئت آمریکایی وارد مذاکره غیرمستقیم شود. پیش از آنکه درباره نتایج احتمالی مذاکرات امروز گمانه‌زنی کنیم، باید بدانیم که این مذاکره در چه شرایطی انجام می‌شود. مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در حالی انجام می‌شود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری که یک بار در سال ۲۰۱۸ از توافق هسته‌ای با ایران خارج شد، بار دیگر به قدرت رسیده است. ترامپ در همان روزهای نخست ورود به کاخ سفید یادداشتی را درباره ایران امضا کرد که به عقیده بسیاری از تحلیلگران، مفاد بسیار خطرناکی در آن گنجانده شده و اگر آمریکا همه مفاد این یادداشت را دنبال کند، به‌طور طبیعی باید با هدف تسلیم کردن ایران وارد مذاکره می‌شود. ترامپ بعد از امضای این یادداشت البته اعلام کرد که بیشتر علاقه به مذاکره دارد اما اگر ایران به مذاکره و توافق تن ندهد، آمریکا و اسرائیل از گزینه نظامی استفاده خواهند کرد. در این سوی ماجرا، زمان برای رسیدن به توافق نیز محدود است. ضرب‌العجل اکبر امسال برای انقضای برجام، به‌طور طبیعی محدودیت‌زمانی را بر مذاکرات اعمال کرده‌اند. اروپایی‌ها گفته‌اند که اگر ایران تا تیرماه توافق را نپذیرد، به سمت فعال کردن مکانیسم ماشه و بازگردان اتم‌اتیک تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل حرکت خواهند کرد. بنابراین به دلایلی می‌توان گفت که به توافقی معنادار در روز شنبه نباید امید بست و به‌طور کلی به توافق پایدار با آمریکا در ماه‌های باقی‌مانده نباید امید داشت. اما چرا؟

نخست اینکه دولت ترامپ و شخص او، ملاحظاتی عرفی و معمول دیپلماتیک را رعایت نمی‌کنند. ترامپ ممکن است در یک سخنرانی، بدون هیچ دلیل خاصی، مفاد و شرح مذاکره را در فضای علنی مطرح کند. مذاکراتی این‌چنینی معمولاً باید در فضایی دیپلماتیک به پیش برود. دولت ترامپ اما نرم‌های دیپلماتیک را در هم شکسته است. از سوی دیگر مذاکره محرمانه با چنین دولتی نیز بی‌معنا است. اساساً ترامپ اعتقادی به محرمانه بودن مذاکرات ندارد. او یک شومن است که تمایل دارد در خصوص چنین موضوعاتی مانورهای افکار عمومی بدهد. علاوه بر این زمان برای برقراری مذاکره محرمانه به شدت اندک است. بنابراین اصل محرمانه نماندن مذاکره به این معنا است که چه در ایران و چه در آمریکا و چه طرف‌هایی نظیر اسرائیل که مخالف توافقی دیپلماتیک میان ایران و آمریکا هستند فضا را برای مانور مناسب دیده و علیه روند مذاکره اقدام کنند.

خبرگزاری روتنر مدعی شده که ایران به دنبال توافقی موقت در مرحله نخست است تا زمان برای توافقی نهایی ایجاد شود اما بعید است که آمریکایی‌ها چنین پیشنهادی را بپذیرند. نخست اینکه دولت ترامپ در بسر و سامان دادن در وضعیت خاورمیانه براساس نظم مورد نظر خودش بسیار عجله دارد و پرونده هسته‌ای ایران یکی از موانع بر سر راه این روند است. بنابراین دولت ترامپ گذر زمان را چندان تحمل نخواهد کرد. قرار است ایران در ازای کاهش سرعت غنی‌سازی، رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد و افزایش بازرسی‌های هسته‌ای، از آمریکا بخواهد توافقی موقت را بپذیرد و در ازای آن اسنپک را تمدید کند تا زمینه برای مذاکره بیشتر فراهم شود. بعید است که آمریکایی‌ها چنین پیشنهادی را نیز بپذیرند. اول اینکه تمدید زمان اسنپک، موضوعی حقوقی و پیچیده است که اروپایی‌ها و حتی چین و روسیه هم باید درباره آن نظر بدهند. اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند چنانچه تأثیر ماه اسنل توافقی حاصل نشود به سمت فعال کردن اسنپک حرکت خواهند کرد. علاوه بر این بعید است که آمریکایی‌ها از اهرم موثر اسنپک که ایران را تحت فشار قرار می‌دهد، به راحتی بگذرند.

اگر آمریکایی‌ها پیشنهاد ایران برای توافقی موقت براساس برخی عقب‌نشینی‌های هسته‌ای ایران را بپذیرند، اهرم تهدید نظامی آمریکا علیه ایران تضعیف خواهد شد. چراکه در صورتی که ایران چنین اقداماتی صورت دهد، آژانس هم از این اقدامات استقبال خواهد کرد و در نتیجه لبه شمشیر توجیه حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران کندتر خواهد شد. اهرم تهدید نظامی، اهرمی است که ترامپ از همان روزهای نخست آغاز به کار بالای سر ایران نگه داشته است و تحرکات نظامی یک‌ماهه اخیر آمریکا در منطقه به بهانه حمله به مواضع یمنی‌ها نیز نشان از این است که دولت ترامپ تمایل دارد که این اهرم بسیار جدی به نظر برسد.

دیپلماسی

DIPLOMACY



نگاه کارشناس



مجید محمدشریفی
استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی

گرچه خبر آمادگی نمایندگان دولت ترامپ و جمهوری اسلامی ایران برای انجام مذاکرات در عمان برخی تحلیلگران را به حصول توافق نهایی امیدوار کرده است اما با ارزیابی شرایط کنونی حاکم بر برنامه هسته‌ای ایران در مقایسه با سال ۲۰۱۵، تحولات منطقه، افتراق نظرهای موجود در دولت ترامپ و در نهایت اثرگذاری بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی چنین می‌توان دریافت که انجام مذاکرات و رسیدن به توافق با چالش‌هایی جدی مواجه است. در نظر داشت این واقعیت که پس از مدت زمانی طولانی از بی‌اعتمادی و در ماه‌های اخیر تشدید تنش‌ها و تهدیدها، اعلام آمادگی برای انجام مذاکرات به هر شکل و با هر محتوایی می‌تواند بارقه‌ای از امید برای حل اختلافات از مسیر مذاکرات را پدیدار کند اما همچنان پرسش‌های جدی بی‌پاسخ مانده‌اند. آیا دو طرف ایران و آمریکا می‌توانند بار دیگر به توافق هسته‌ای دست یابند؟ محتوای توافقی احتمالی چه خواهد بود؟ خواسته‌های دولت ترامپ از ایران چیست؟ ایران در برابر این خواسته‌ها چه امتیازاتی را طلب خواهد کرد؟ و در نهایت اینکه در صورت شکست مذاکرات چه انتخابهایی پیش‌روی دو طرف وجود دارد؟

گرچه نویسنده خود امیدوار است که اختلافات ایران و آمریکا از مسیر مذاکرات حل و فصل شود اما با نگاهی واقع‌بینانه به شرایط موجود باید گفت، در مسیر حصول توافق نهایی، چالش‌ها و موانع جدی وجود دارند. عواملی که می‌توانند رسیدن به توافق را دشوار سازند. در ادامه به مهمترین این چالش‌ها و موانع می‌پردازیم.

۱ بازگشت ناپذیر بودن پیشرفت‌های برنامه هسته‌ای ایران: بسیاری از پیشرفت‌های ایران در برنامه هسته‌ای برخلاف انتظار و خواسته دولت ترامپ بازگشت‌ناپذیر هستند پیشرفت‌های برنامه هسته‌ای ایران در سال‌های اخیر در تمامی ابعاد بدان حد بوده است که برخی مقامات غربی بر این باورند که حتی اگر ایران با پذیرش محدودیت‌هایی از برخی پیشرفت‌های هسته‌ای خود عقب‌نشینی کند دانش انباشته شده در سال‌های اخیر را نمی‌توان از طریق توافق از میان برداشت. گرچه نهادهای اطلاعاتی آمریکا همچنان بر این باورند که ایران تصمیمی برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد اما بر این باورند که در صورت تغییر نظر رهبران، این کشور می‌تواند در مدت کوتاهی به سلاح هسته‌ای دست یابد. به بیانی دیگر در حالی که ایران توانایی و دانش لازم برای ساخت سلاح هسته‌ای را دارد، تنها اراده سیاسی رهبران این کشور مانع تحقق این امر شده است. این نهاد‌های اطلاعاتی با استناد به برخی گزارش‌ها بر این باورند که ایران امکان ساخت سلاح هسته‌ای را چندین بار آزمایش کرده است. با چنین پیشرفتی هرگونه توافق احتمالی با ایران نیازمند بازرسی‌های گسترده از مراکز نظامی و تحقیقاتی این کشور است. بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باید اختیارات گسترده‌ای را برای بازرسی مراکز نظامی و تحقیقاتی ایران به‌دست آورند. بی‌تردید جمهوری اسلامی ایران با چنین سطحی از بازرسی‌ها مخالفت خواهد کرد.

چالش توافق در خاورمیانه

واشنگتن در حال مذاکره با چهار قدرت منطقه‌ای است که هر چهار قدرت منافع متضادی با هم دارند

ترکیه اشاره کرد و به نخست‌وزیر اسرائیل گفت: «هر مشکلی که با ترکیه دارید، فکر می‌کنم می‌توانم حل کنم... تا زمانی که منطقی باشید، باید منطقی باشید.»

درست زمانی که تلاش‌های کاخ سفید برای مذاکره برای پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین در جریان است و ترامپ امید پیشرفت در این زمینه را دارد، کاخ سفید با چالش بسیار پیچیده‌تری در خاورمیانه مواجه است. مشکل اصلی این است که منطقه دارای ذینفعان بسیار زیادی است که هر کدام خواسته‌های متفاوتی دارند. این امر واشنگتن را وادار می‌کند تا با هر کشور به‌طور جداگانه گفت‌وگو کند و نتیجه این گفت‌وگوها ممکن است عواقب ناخواسته‌ای برای سه کشور دیگر به همراه داشته باشد.

اسرائیل

دو نگرانی اصلی برای اسرائیل، ایجاد ثبات در نوار غزه و تأمین امنیت جناح شمالی‌اش، به‌ویژه سوریه است. در مورد غزه، ایالات متحده و اسرائیل توافق دارند که حماس نباید کنترل خود را در هیچ سناریویی پس از مناقشه حفظ کند، اما هنوز روشن نیست که کدام ساختار حکومتی باید جایگزین حماس شود. ایالات متحده عربستان سعودی را تحت فشار قرار داده است تا با هماهنگی



AP-عکس

۵ تهدید علیه

چه عواملی دستیابی به توافق را

ایران را احیاء کند، مقامات آمریکایی اذعان کردند که زمان گریز هسته‌ای ایران به سبب آنچه این کشور در این سال‌ها به‌دست آورده و آموخته بسیار کوتاه شده است. بی‌تردید ایران از حق غنی‌سازی خود صرف‌نظر نخواهد کرد. این در حالی است که برخی اعضای کابینه ترامپ همچون مایکل والتز و مارکو روبیو هم‌نظر با بنیامین نتانیاهو خواستار برچیده شدن کامل برنامه هسته‌ای ایران هستند. شکاف آشکار در خواسته‌های دو طرف بر سر انهدام یا تداوم برنامه هسته‌ای می‌تواند دستیابی به توافق را ناممکن سازد.

۲ بی‌اعتمادی عمیق ایران به آمریکا: یکی از بزرگترین چالش‌های پیش‌روی توافق هسته‌ای احتمالی، بی‌اعتمادی عمیق ایران به آمریکا است. در زمان دولت فایدن نیز یکی از پیش‌شرط‌های ایران برای

اسرائیل، رهبری پرونده فلسطین را به عهده بگیرد.

تلاش‌های قبلی برای عادی‌سازی روابط اسرائیل و عربستان با حمله حماس در ۱۷ اکتبر سال ۲۰۲۳ از مسیر خارج شد، اما تعامل همچنان به نفع اسرائیل است. با این حال، اسرائیل می‌داند که عربستان سعودی تنها به‌طور غیرمستقیم از طریق مصر و اردن با غزه برخورد خواهد کرد. اسرائیل همچنین به ظرفیت و اراده سیاسی سعودی‌ها برای مدیریت غزه شک دارد. آنچه اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند این است که تشکیلات خودگردان فلسطینی که در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است در ورطه ورشکستگی قرار گرفته و این خطر را افزایش می‌دهد که عدم اطمینان در مورد آینده غزه ممکن است کرانه باختری را که از قبل هم بی‌ثبات بود، بیشتر بی‌ثبات کند. در این میان اسرائیل نیز مجبور است امنیت جبهه شمالی خود را تأمین کند. پس از دهه‌ها تلاش، اسرائیل سرانجام رهبری حزب‌الله و توانایی‌های تهاجمی آن را تضعیف کرده، شبکه نیابتی ایران را در شام فلج کرد و به فروپاشی رژیم اسد در سوریه کمک کرد. لبنان اکنون انعطاف‌پذیرتر است، اما یک تهدید جدید در حال ظهور است و آن چیزی نیست جز روی کار آمدن یک رژیم تحت سلطه اسلام‌گرایان سنی در سوریه، با حمایت ترکیه.

ترکیه

درگیری ایران و اسرائیل و سقوط اسد فرصتی تاریخی برای ترکیه ایجاد کرده است. آنکارا که ذیل محدودیت‌های ایجادشده توسط تهران نیست، به سرعت در حال حرکت برای تحکیم نفوذ خود در سوریه و در نهایت، کل حاشیه شمالی خاورمیانه است. در طی چند هفته، ترکیه دولت موقت در دمشق را تحت فشار قرار داد تا توافقی برای تقسیم قدرت با کرده‌های سوریه امضا کند که ترکیه مدت‌ها با آنها دشمنی داشت. آنکارا